



ارکان تربیت ولایی از نظر فقه تربیتی با محوریت روایات «اولی الناس»

محدثه معینی فر^۱، سمانه زارعی^۲

۱. دکترای تخصصی، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشکده علوم و تحقیقات اسلامی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران. رایانامه: moeinifar@isr.ikiu.ac.ir

۲. طلبه سطح چهار حوزه علمیه، مؤسسه آموزش عالی معصومیه قم، قم، ایران. رایانامه: samane.zarei@gmail.com

چکیده

اطلاعات مقاله

تربیت ولایی، مبتنی بر ولایت خداوند، انبیاء- به ویژه پیامبر عظیم‌الشأن اسلام (ص) - و امامان معصوم (ع) بر انسان است. غایت این تربیت، عبودیت پروردگار خواهد بود. عبارت «اولی الناس» برگرفته از مفهوم ولایت است که می‌تواند در تبیین ارکان تربیت ولایی مؤثر باشد. این پژوهش با روش تحلیل محتوای کیفی در صدد پاسخ‌گویی به این پرسش است که از نظر فقه تربیتی، ارکان تربیت ولایی- با توجه به روایات «اولی الناس»- چگونه تبیین می‌شوند؟

تحلیل محتوای روایات اولی الناس، نشان می‌دهد که الله، پیامبر اسلام (ص) و امامان معصوم (ع) در نظام تربیت ولایی، نسبت به «الناس، مؤمنین و امت»، مربی هستند و در این سلسله‌مراتب، «پیامبر اسلام (ص) و امامان معصوم (ع) نسبت به الله» و «امام نسبت به امام پیش از خود و انبیای الهی» و «شیعیان امام علی (ع) نسبت به ایشان و پیروان ابراهیم (ع) نسبت به ایشان» متربی هستند. پیامبر و امام (ع) پس از پرورش و تربیت در دستگاه الهی، نسبت به درک و عرضه محتوای این تربیت مانند قرآن و سنت رسول الله (ص) نیز «اولی الناس» تلقی می‌شوند.

نوع مقاله:

مقاله پژوهشی

تاریخچه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۶/۱۷

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۸/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۰/۰۵

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۱۲/۲۹

کلیدواژه‌ها:

تربیت،

تربیت ولایی،

روایات،

فقه تربیتی،

اولی الناس،

مربی، متربی.

استناد: معینی فر، محدثه و زارعی، سمانه (۱۴۰۴). ارکان تربیت ولایی از نظر فقه تربیتی با محوریت روایات «اولی الناس»، ۱۲ (۲۴)، ۱۱۹-۱۳۵.

<https://doi.org/10.22034/mft.2026.21013.1460>



© نویسندگان.

ناشر: جامعه المصطفیٰ العالمية.

۱. مقدمه

دین که از اعتقادات و اصول دین، اخلاق و احکام فقهی تشکیل شده است، نقش مهمی در شکل‌گیری شخصیت انسان، تربیت و پرورش او برای اهداف الهی دارد. هرچند هر یک از این سطوح، عهده‌دار یک هدف خاص هستند؛ اما غرض نهایی همه آن‌ها، سعادت فردی و جمعی انسان‌ها است که از طریق نظام ولایی و تربیت ولایی محقق خواهد شد.

تربیت ولایی که بر محور «ولایت» تمرکز دارد، در پی تعریف ارتباط‌ها میان خدا، پیامبران علیهم‌السلام، امامان علیهم‌السلام، مردم و برائت از طاغوت بیرون و درون انسان است. تربیت ولایی نیز مانند سایر نظام‌های تربیتی دارای ارکانی است که بر اساس روایات اولی الناس قابل تبیین است، زیرا عبارت اولی الناس می‌تواند مبین ارکان تربیت ولایی باشد. از این رو، این پژوهش با روش تحلیل محتوای کیفی در صدد پاسخ‌گویی به این سؤال است که از نظر فقه تربیتی، ارکان تربیت ولایی با توجه به روایات «اولی الناس» چگونه تبیین می‌شوند؟

۲. پیشینه پژوهش

پیشینه پژوهش حاضر می‌تواند شامل موارد ذیل باشد:

جدول ۱- پیشینه پژوهش

رج	عنوان مقاله (سال)	روش پژوهش	یافته‌های پژوهش	تفاوت پژوهش حاضر با پیشینه
۱	چارچوب رویکرد تعلیم و تربیت ولایی در مکتب امام خمینی بر اساس استعاره قرآنی «شجره طیبه» و الگوی «حکمت- بنیان» لقمان حکیم (۱۴۰۲)	روش کیفی	اصول تربیت ولایی: لزوم اتخاذ مربی و هم‌مسلمانان طریق، لزوم شبکه‌ای بودن و سلسله مراتب بودن ساختار تربیتی و لزوم دائم‌التعلیم و التعلیم بودن عموم مردم. روش‌های تربیت ولایی: پویایی و انعطاف، آزادسازی مردم از بندهای مادی و ذهنی، حکمت‌آموزی و در نهایت همیاری و همدلی	تمرکز این پژوهش بر مطالعه موردی تربیت ولایی از دیدگاه امام خمینی رحمته‌الله و مطالعه موردی لقمان حکیم به عنوان لگوی قرآنی بوده است؛ اما پژوهش حاضر با تمرکز بر روایات اولی الناس تلاش دارد تصویر جهان‌شمولی را عرضه کند.
۲	بررسی تربیت ولایی در سوره مبارکه انفال (۱۴۰۲)	روش اکتشافی و توصیفی- تحلیلی	الگوی تربیت ولایی، تأکید بر خداباوری و خدامحوری در تمام مراحل تربیت است.	برخلاف پژوهش حاضر، این پژوهش صرفاً به بررسی تربیت ولایی در یک سوره از قرآن بسنده کرده است.

۳. روش پژوهش

«روش تحلیل محتوای کیفی که یکی از روش‌های تحلیل داده‌های متنی است، با هدف بررسی محتوای درون متن و استخراج معنا از متن با قواعد و اصول ویژه انجام می‌شود. تحلیل محتوای کیفی برای تفسیر ذهنی محتوای داده‌های متنی از طریق فرایند طبقه‌بندی منظم کدها و شناسایی تم‌ها یا الگوها است» (محمدپور، ۱۳۹۷: ۴۱۹-۴۲۰). این پژوهش با روش تحلیل محتوای کیفی در صدد پاسخ‌گویی به این پرسش است که از نظر فقه تربیتی، ارکان تربیت ولایی با توجه به روایات «اولی الناس» چگونه تبیین می‌شوند؟

جامعه آماری پژوهش شامل ۱۴۹ روایت مرتبط با موضوع «اولی الناس» از مجموع ۲۴۲۹ روایت در پایگاه تخصصی جامع الاحادیث است که پس از حذف روایات تکراری، با استفاده از نرم افزار MAXQDA ۲۰۲۰ تحلیل و کدگذاری شدند. با بهره‌گیری از روش سرشماری در این پژوهش، خطای نمونه‌گیری به صفر می‌رسد. جهت سنجش صحت کدگذاری و مقوله‌ها، یافته‌ها در اختیار صاحب‌نظران دیگر قرار گرفت تا اعتبار بخشی به نتایج نیز مشخص گردد. برای کنترل توافق میان کدگذاران با حذف توافق تصادفی از شاخص کاپای کوهن استفاده شده است. در این پژوهش دو متغیر را در ده روایت موجود انتخاب کرده و مجدد کدگذاری شده است. بر اساس فرمول کاپای کوهن، ضریب قابلیت اعتماد ۸۷ درصد به دست آمده که قابل قبول است.

۴. یافته‌های پژوهش

۴-۱. مفهوم «اولی الناس»

با توجه به عدم تعریف واژه «اولی الناس» در کتب لغت، در بیان مفهوم آن لازم است میان دو واژه «اولی» و «الناس» تفکیک قائل شد. «اولی» در کتب لغت به معنای نزدیک‌تر و سزاوارتر (قرشی بنابی، ۱۴۱۲: ۲۵۳ / ۷؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۸۸۷ / ۱؛ طریحی نجفی، ۱۳۶۲: ۱ / ۴۵۵) و از مشتقات «ولی» در قرآن کریم است. واژه «ولی» نیز در کتب لغت، به معنای نزدیکی و قرب (قرشی بنابی، ۱۴۱۲: ۱۱۶۳ / ۲؛ طریحی نجفی، ۱۳۶۲: ۱ / ۴۵۵) آمده است. برخی نیز ذیل ولاء و توالی بیان می‌کنند که امر دیگری میان دو امر وجود نداشته باشد و به طور استعاره، ولا و توالی را به «نزدیکی در مکان یا نصرت یا صداقت یا اعتقاد» تعبیر می‌کنند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۸۸۵ / ۱).

واژه «الناس» به معنای «جماعت مردم» (قرشی بنابی، ۱۴۱۲: ۱۲۹ / ۷) است. جماعت مردم، به هر انسان فارغ از هرگونه شرایط و ویژگی یا به قول فلاسفه «انسان لابشرط» اطلاق می‌شود که برخلاف برخی آیات دیگر، مانند آیه ۴۶ آل عمران، آیه ۱ سوره ناس و ۵۴ نساء، همه انسان‌ها، مخاطب آیه ۲۱ سوره بقره هستند: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا رَبَّكُمُ...؛ ای مردم! پروردگارتان را پرستید».

۴-۲. مفهوم تربیت ولایی

هرچند تربیت ولایی در چند پژوهش مختلف محل بحث بوده؛ اما فقط یک پژوهش آن را چنین تعریف کرده است: «منظور از تربیت ولایی، تربیتی است که در آن، ایجاد، رشد و نمو، پرورش بالقوه‌ها و توسعه وجودی یک فرد، از قبل از انعقاد نطفه، تحت سرپرستی و ولایت خالق یکتا قرار داشته و به طور مطلق، از دستورات الهی پیروی نماید» (فرهادی، ۱۴۰۰).

ولایت در تربیت ولایی، دو نوع ولایت تشریعی و تکوینی است. «ولایت تکوینی و تشریعی، لازم ذات نوری آن حضرات است، همان گونه که ولایت تکوینی الهی از شئون ذات باری تعالی است و نه از مناصب مجعول ذات ربوبی برای نفس خودش، و هیچ ملازمه‌ای هم بین این دو ولایت نیست» (هاشمی، ۱۳۸۲: ۴۹۷). قرآن کریم، ولایت تکوینی را برای خداوند در مرتبه نخست، چنین معرفی می‌کند: «قَالَ رَبُّنَا الَّذِي أَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدَى» (طه، ۵۰) که شامل همه موجودات از جمله انسان است، زیرا انسان با برخورداری از هدایت تکوینی و پیروی از هدایت تشریعی در یک نظام تشریع مبتنی بر تکوین است که می‌تواند به سعادت هر دو جهان دست یابد. ولایت تکوینی در مراتب پایین‌تر متعلق به پیامبر ﷺ و امامان معصوم ﷺ است: «يُنَزِّلُ الْمَلَائِكَةَ بِالرُّوحِ مِنْ أَمْرِهِ عَلَى مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ أَنْ أَنْذِرُوا أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاتَّقُونِ» (نحل، ۲) که دارای انواع مختلفی در نسبت با خود انسان یا عالم ممکنات اعم از انسان‌های دیگر و سایر موجودات است (هاشمی، ۱۳۸۲: ۴۸۷-۴۸۹) و در تعریف آن آمده است: «مقصود از ولایت تکوینی آن است که فردی بر اثر پیمودن راه بندگی آنچنان قرب و کمال معنوی پیدا کند که به فرمان و اذن الهی بتواند در جهان تصرف نماید. این نوع ولایت برخلاف

ولایت تشریعی، کمال و واقعیت اکتسابی است و راه کسب برخی مراتب آن به روی همه باز است و امام می‌تواند به بالاترین مراتب آن برسد» (رضوانی، ۱۳۸۶: ۲۵۶). این ولایت ممکن است به دو صورت تصور شود: ۱. به نفس ولی و صاحب ولایت، تأثیر اعطا شود، مانند حضرت موسی. ۲. مانند حضرت داود باشد که خداوند اکوان را مطیع و مسخر او ساخت: «وَ أَلَّا لَهُ الْحَدِيدَ» (سبأ، ۱۰) (هاشمی، ۱۳۸۲: ۴۸۹-۴۸۷). نتیجه این ولایت، هدایت تکوینی است که به سادگی نمی‌توان از آن بهره‌مند شد و منوط به برقراری ارتباطی خاص با امام و تأثیر امام در باطن است.

از منظر قرآن کریم، در ولایت تشریعی، هدف بعثت انبیا، تربیت و پرورش انسان برای عبودیت پروردگار است: «هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ» (جمعه، ۲) و «النَّبِيِّ أُولَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ» (احزاب، ۶). بر همین اساس، تربیت ولایی در قرآن، بر محور ولایت خدا، رسول خدا و جانشینان ایشان استوار است: «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ» (مائده، ۵۵). از این رو، اطاعت از آنان لازم و واجب است: «أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِيَ الْأَمْرِ مِنْكُمْ» (نساء، ۵۹).

تربیت ولایی، محتوای تربیتی خود را محصور در الفاظ و مکتوبات نمی‌بیند و در کنار بیان محتوا در قالب مفاهیم ارزنده، مربی برگزیده‌ای را به مردم معرفی می‌کند که در مقام معرفت و تربیت، الگوی عملی و اسوه است: «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَن كَانَ يَرْجُو اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا» (احزاب، ۲۱). مقاماتی که در ولایت تشریعی بیان گردیده، همه موهبت خداوندی است که پس از تحصیل یک سلسله زمینه‌ها، چیزی جز خواست خداوند در آن دخالت ندارد (رضوانی، ۱۳۸۶: ۲۵۶).

این ولایت بر دو نحو است: ولایت «بر تشریع» و ولایت «در تشریع». ولایت بر تشریع با یک تحلیل عقلی به ولایت تکوینی برمی‌گردد (جوادی آملی، ۱۳۷۸: ۱۲۵). برخی در تعریف «ولایت بر تشریع» بیان می‌دارند: «ولایت حقیقی بر تشریع احکام و جعل قوانین و نظامات از قبیل عبادات، معاملات و امور مالی، اقتصادی، سیاسی، قضایی، کیفری، اجتماعی، فردی، تربیتی و فرهنگی و خلاصه هر آنچه فطرت بشر محتاج به آن است. جعل و تشریع این احکام مختص به ذات ذوالجلال است و در این امور شریک، وزیر و مشاور ندارد و احدی نه به عنوان مقام شخصی یا مقام عمومی و نمایندگی، حق قانون‌گذاری ندارد. انشای مقررات جزئی و کلی نظامات به عهده او است و اختصاص به ذات بی‌زوال «او» دارد» (هاشمی، ۱۳۸۲: ۵۰۲-۵۰۳).

ولایت در تشریع، هیچ ارتباطی با ولایت تکوینی ندارد (جوادی آملی، ۱۳۷۸: ۱۲۵). اعتباری و قراردادی بودن ولایت در تشریع، به دلیل امکان تخلف آن است، برخلاف ولایت تکوینی که امکان تخلف در آن وجود ندارد (طاهری خرم‌آبادی، ۱۳۹۰: ۸۹-۹۰). ولایت در تشریع عبارت است از سلطه تشریعی و منصب قانونی، و از امور اعتباری و مناصب جعلی است که با داشتن آن، شخص، حق تشریع و جعل قانون را دارد. این قسم از ولایت نیز مراحل دارد، مانند ولایت تبلیغ (بیان احکام) و غیره (موسوی خلخالی، ۱۳۸۰: ۶۴) که در ابواب مختلف فقهی از آن بحث می‌شود (جوادی آملی، ۱۳۷۸: ۱۲۷).

بر همین اساس، تأسی و تولا در یک رابطه طولی به خداوند و جایگاه ربوبی او می‌رسد. «سلمان‌وار در جستجوی مربی رفتن، آسان‌تر و پربارتر از لقمان‌وار از بدها ادب آموختن است. مربی انسان، جز آفریدگار انسان نیست. رب اوست و مربی اوست و دیگران باید درس تربیت را از او بگیرند و راه تربیت را بیاموزند. اوست که به تمام هستی و تمام قانون‌ها آشنا است؛ اما ما قانون‌هایی را می‌شناسیم که آن‌ها را تجربه کرده‌ایم و شناخته‌ایم... خداوند هستی و مربی انسان، انسان‌هایی را تربیت می‌کند: «لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا» (احزاب، ۳۳) و پلیدی‌ها را از آن‌ها می‌زداید و به وسیله وحی، آن‌ها را با قانون‌ها و دردها و داروها آشنا می‌سازد و نورانیت و پاکی و آگاهی، آن‌ها را بر روحیه‌ها و طبیعت‌ها مسلط می‌نماید و آن‌ها را پیشوا و مربی و آموزگار و مزکی و مطهر خلق می‌سازد؛

«يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ» (جمعه، ۲) و این‌ها هستند که در میان خلقِ او به تربیت خلق و شکوفا کردن استعدادها و تتمیم اخلاق کریمه همت گماشته‌اند» (صفایی حائری، ۱۴۰۲: ۴۶-۴۹). با این احتساب، در تربیت ولایی، «مربی، متربی و محتوا» در یک سلسله مراتب و ارتباط قرار می‌گیرند تا ضمن تقویت همدیگر، دستیابی به هدف عبودیت پروردگار را تسهیل کنند.

۴-۳. ارتباط تربیت ولایی و عبارت «اولی الناس»

تربیت ولایی که بر مبنای ولایت الله، پیامبر و امامان معصوم علیهم‌السلام استوار است، نه تنها در پی تربیت انسان‌ها و به کمال رساندن آن‌ها است؛ بلکه وحدت میان آحاد جامعه و تحقق جامعه اسلامی را نیز مدنظر دارد. بر همین اساس، تربیت ولایی بر همین روابط و ارتباطها متمرکز خواهد بود. ولایت از درون انسان می‌جوشد و انسان را به سمت وسوی که می‌خواهد می‌کشاند. پس تربیت ولایی با عواملی از درون، مانند ایمان و عواملی از بیرون انسان چون خدا، پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و امامان علیهم‌السلام تقویت می‌شود و با موانع بیرونی مانند طاغوت و از دیگر سو، شرک و کفر از طواغیت درونی انسان روبرو است.

تعبیر اولی الناس نیز از تعابیر عامی است که متضمن یک رابطه میان یک شخص در مقام بالاتر و یک شخص دانی است و چه بسا در تبیین این رابطه، نسبت به واژه ولایت اظهر باشد. پس تربیت ولایی چون بر یک ارتباط مستقر است، با واژگانی چون اولی الناس بیشتر و بهتر تبیین می‌شود. به ویژه آنکه اولی الناس در برخی آیات و روایات، به خوبی به دو طرف این نسبت اشاره دارد و قرب و نزدیکی را بیان می‌کند. علت این امر هم آن است که قرب و نزدیکی به یک فرد یا هر امر دیگری، تشبه به آن را در پی دارد، زیرا در این ارتباط دو فرد یا دو امر رنگ‌وبوی همدیگر را می‌گیرند.

افزون بر این، اولی الناس نه تنها مبین یک رابطه میان انسان‌ها است، بلکه رابطه میان انسان و امر دیگری را مانند فعل یا یک شیء نشان می‌دهد و بر اساس آن، این افراد نسبت به آن امر مانند سنت رسول خدا یا قرآن کریم بر دیگران مقدم هستند، زیرا شأن این امر را دارند یا بر فهم آن تسلط دارند یا به جهت قوت درونی این اولویت را پیدا می‌کنند.

۴-۴. ارکان تربیت ولایی

ارکان تربیت ولایی شامل موارد ذیل است:

۴-۴-۱. مربی

هرچند برخی در تعریف مربی او را عامل انسانی می‌دانند که «در تحقق فعالیت تربیتی تأثیرگذار است و تنها اختصاص به مربی پرورشی یا معلم آموزشگاه در نظام آموزش و پرورش رسمی ندارد، بلکه شامل هر نیروی انسانی تأثیرگذار در فرایند تربیت، اعم از مربیان پرورشی، معلمان، والدین و مانند این‌ها می‌شود» (همت بناری، ۱۳۸۱: ۴۶-۴۷)؛ اما می‌توان بر اساس آموزه‌های دینی، دیدگاهی گسترده‌تر نیز نسبت به این موضوع اتخاذ کرد، زیرا ربوبیت صفت خاص خداوند است که علی‌رغم مخالفت برخی^۱ (صدر، ۱۳۸۸: ۱۳۸۷)، در معنای آن می‌توان معنای مستتر تربیت و پرورش را یافت، زیرا تدبیر یک امر به دلیل مالکیت بر آن می‌تواند معنای تربیت را هم با خود همراه داشته باشد. «گاهی «رب» به معنای مالک و گاهی به معنای سرور و فرمانروای مطاع و گاهی نیز به معنای اصلاح‌کننده است» (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۱/ ۳۹۹-۴۰۱). به نظر می‌رسد معنای سوم برخاسته از معنای نخست و محفوف در مالکیت به عنوان معنای اصلی رب است. در نتیجه، نشان می‌دهد نخستین مربی انسان، خود خداوند است، زیرا افزون بر معنای رب که در اینجا

۱. علت مخالفت، تفاوت ریشه تربیت (رب و) به معنای رشد و نمو و ربوبیت (ر ب ب) به معنای مالکیت و تدبیر است.

یاری کننده این استدلال است، برخی آیات قرآن نیز بر این موضوع دلالت دارند، مانند «وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا؛ و خدا همه نام‌ها را [موجودات] را به آدم آموخت» (بقره، ۳۱). هرچند میان مفسران در معنا و منظور اسما اختلاف است؛ اما آموختن آن‌ها به آدم علیه السلام مسلم و قطعی است.

در تبیین جایگاه واژه اولی الناس (مربی) نسبت به متربی در سطح یا مرتبه نخست، خداوند ضمن مالکیت و ولایت حقیقی بر بندگان خویش که در این روایات اعم از «الناس» و «مؤمنین» هستند، رب و مربی آنان نیز هست، زیرا آنچه به عنوان محتوا در این نظام تربیتی عرضه می‌شود، از وجود خداوند عزوجل نشئت می‌گیرد. به علاوه، وجود دو واژه «الناس» و «مؤمنین» به خوبی تبیین کننده آن است که این محتوا، متوجه همه انسان‌ها اعم از باایمان (مؤمن)، کافر، موجود و معدوم است. وجود آیات مختلفی از قرآن که با خطاب‌های «يَا أَيُّهَا النَّاسُ» و «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا» آغاز می‌شوند، به خوبی روایت‌گر همین منهج هستند که مخاطبان این تعالیم همه انسان‌ها هستند و اساساً صفت ربوبیت پروردگار هم همین امر را می‌طلبد. البته در مسیر تکامل بشر، خداوند هدایت خود را که برخاسته از همان صفت ربوبیت اوست و برای پرورش جسم و روح انسان لازم است، به واسطه اسبابی چون فرشتگان، انبیا و اولیای الهی به ویژه خاتم الانبیا صلی الله علیه و آله و اهل بیت ایشان علیهم السلام عرضه می‌دارد (جدول ۲).

جدول ۲- روایات اولی الناس نسبت به متربی (مربی)^۱

مربی (اولی الناس)	انواع ولایت	متربی	متن حدیث
سطح نخست	خداوند و پیامبر صلی الله علیه و آله پیامبر صلی الله علیه و آله پیامبر و خاندان ایشان إِمَامُ الْهَدَى امام علیه السلام	همه موارد، ولایت در تشریع هستند، به جز دو مورد نخست که در مورد خداوند است و بر ولایت بر تشریع دلالت دارند.	مَنْ أَوَّلَى النَّاسِ بِالْمُؤْمِنِينَ قَالُوا اللَّهُ وَ رَسُولُهُ
			أَيُّهَا النَّاسُ مِنْ أَوَّلَى النَّاسِ بِكُمْ قَالُوا اللَّهُ وَ رَسُولُهُ
			أَلَسْتُ أَوَّلَى النَّاسِ مِنْ أَنْفُسِهِمْ
			أَلَتَّبِعِي أَوَّلَى بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ
			أَنَا أَوَّلَى النَّاسِ بِالنَّاسِ
			إِمَامُ الْهَدَى ... أَوَّلَى النَّاسِ مِنْهُمْ بِأَنْفُسِهِمْ
سطح دوم	امام علی علیه السلام	الناس	لِلْإِمَامِ عَلَامَاتٌ ... يَكُونُ أَوَّلَى النَّاسِ مِنْهُمْ بِأَنْفُسِهِمْ
			أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَوَّلَى النَّاسِ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ
			أَنَا أَوَّلَى النَّاسِ بِالنَّاسِ بَعْدَهُ
			أَوَّلَى النَّاسِ بِالنَّاسِ
			أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَ سَيِّدُ الْمُسْلِمِينَ وَ أَوَّلَى النَّاسِ بِالنَّاسِ
			أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ، وَ سَيِّدُ الْعَرَبِ وَ خَيْرُ الْوَصِيِّينَ، وَ أَوَّلَى النَّاسِ بِالنَّاسِ

۱. افزون بر قراین موجود در احادیث، تکرار این عبارات به خوبی اثبات می‌کند که ولایت در تشریع در اینجا مطرح است، زیرا در ولایت تکوینی که حقیقی است و در مقابل آن، هیچ ضلالتی وجود ندارد، بحثی نیست، زیرا انسان به هر حال مشمول آن است و قابل تخلف نیست؛ اما در مورد ولایت تشریعی در معنای عام خود، عرضه بر مردم معنا دارد، زیرا تخلف پذیر است و مخالفت یا عدم مخالفت مردم با آن به دلیل اختیار انسان در انتخاب راه و روش سلوک خود مهم است.

مربی (اولی الناس)	انواع ولایت	متربی	متن حدیث
امام حسن علیه السلام			سَيَطْلُعُ عَلَيْكُمْ آخِرُ الْأَوْصِيَّيْنَ، وَ إِمَامُ الْمُتَّقِينَ، وَ أَمِيرُ الْغُرِّ الْمُحَجَّلِينَ، وَ سَيِّدُ الْمُسْلِمِينَ مِنْ بَعْدِي، وَ أَوَّلَى النَّاسِ بِالنَّاسِ فَإِنِّي قَدْ أَخَذْتُ لَكَ الْعَهْدَ يَوْمَ غَدِيرِ خُمٍّ بِأَنَّكَ وَصِيٌّ وَ خَلِيفَتِي وَ أَوَّلَى النَّاسِ بِالنَّاسِ مِنْ بَعْدِي فَيَقْبَلُ فِي ذَلِكَ الزَّمَانِ رَجُلٌ هُوَ أَوَّلَى النَّاسِ فِي الدِّينِ وَ الْقَرَابَةِ، وَ أَوَّلَى النَّاسِ بِالنَّاسِ قَالَ أَخْبِرْ عَلِيًّا أَنَّهُ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَ سَيِّدُ الْأَوْصِيَّيْنَ وَ أَوَّلَى النَّاسِ بِالنَّاسِ وَ الْكَلِمَةُ الَّتِي الزَّمَنُهَا الْمُتَّقِينَ أَشْهَدُ أَنَّكَ أَوَّلَى النَّاسِ بِالنَّاسِ مِنْ بَعْدِ مُحَمَّدٍ وَ بَايَعُوا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام
		امت	أَنْتَ أَوَّلَى النَّاسِ بِأُمَّتِي مِنْ بَعْدِي
		الناس	وَ آيَمُ اللَّهِ لَا نَأْتَا أَوَّلَى النَّاسِ بِالنَّاسِ فِي كِتَابِ اللَّهِ وَ عَلَى لِسَانِ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله
امامان معصوم علیهم السلام		الناس	نَحْنُ أَوَّلَى النَّاسِ فِي كِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ عَلَى لِسَانِ نَبِيِّهِ صلی الله علیه و آله أَوَّلَى النَّاسِ بِالنَّاسِ بَعْدِي إِنِّي هَذَا الْحَسَنُ ثُمَّ يَدْفَعُهُ إِبْنِي الْحَسَنُ عِنْدَ مَوْتِهِ إِلَى إِبْنِي هَذَا الْحُسَيْنِ ثُمَّ يَصِيرُ إِلَى وَاحِدٍ بَعْدَ وَاحِدٍ مِنْ وَلَدِ الْحُسَيْنِ حَتَّى يَرِدَ آخِرُهُمْ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله إِنَّ الَّذِي أَمَرَنِي رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله أَنْ أَدْفَعَهُ إِلَيْهِ وَصِيِّي وَ أَوَّلَى النَّاسِ بِالنَّاسِ إِبْنِي الْحَسَنُ؛ ثُمَّ يَدْفَعُهُ الْحَسَنُ إِلَى إِبْنِي الْحُسَيْنِ، ثُمَّ يَدْفَعُهُ إِلَى وَاحِدٍ بَعْدَ وَاحِدٍ مِنْ وَلَدِ الْحُسَيْنِ مَا كَانَتْ الْأَيْمَةُ عَلَى خَالٍ مُذْ قَبَضَ اللَّهُ نَبِيَّهُ، أَلَا وَ مَنْ سَمَّيْتَ أَوَّلَى النَّاسِ بِالنَّاسِ
			وَ أَمَّا حَقُّ مَوْلَاكَ الْمُنْعِمِ عَلَيْكَ فَإِنَّ تَعْلَمَ أَنَّهُ أَنْفَقَ فِيكَ مَالَهُ وَ أَخْرَجَكَ مِنْ دُلِّ الرِّقِّ إِلَى أَنْ قَالَ: وَ تَعْلَمَ أَنَّهُ أَوَّلَى النَّاسِ بِكَ فِي حَيَاتِكَ وَ مَوْتِكَ
		عبد	
		زوجه (عقد دائم و موقت)	وَ أَنْتَ أَوَّلَى النَّاسِ بِهَا
سطح سوم	مولا	ولایت در تشریع؛	
	زوج	ولایت در فعل انسان	

در توضیح این روایات باید اذعان کرد که در این روایات، بیان به نحوی متفاوت است که گاه پیامبر صلی الله علیه و آله در کنار خداوند به عنوان اولی الناس شناسانده می‌شود و گاه به تنهایی. به نظر می‌رسد روایات دسته نخست، نشان‌دهنده رابطه میان واسط و سبب؛ یعنی

پیامبر ﷺ و خداوند هستند و دسته دوم نیز معرف جایگاه ویژه ایشان در عالم هستی است. دسته سوم از روایات نیز پیامبر ﷺ را در کنار ائمه علیهم السلام قرار داده است که به خوبی مسیر آغاز شده از خداوند را تا انتهای آن؛ یعنی امامان معصوم نشان می‌دهد. پس از نشان دادن مسیر، شاهد آن دسته از روایات هستیم که تنها به امام یا امام هدی اشاره دارند و این فرایند در نهایت با معرفی مصادیق امام در سطح دوم به پایان می‌رسد. مهم‌ترین مصداق امام نیز امیرالمؤمنین هستند که اگر در جایگاه خود قرار می‌گرفتند، مسیر برای سایر امامان معصوم علیهم السلام نیز به درستی پیش می‌رفت. پس از ایشان، این روایات به امام حسن علیهم السلام و در نهایت، امامان معصوم علیهم السلام اشاره می‌کنند. برای جایگاه متربی در برابر امام علی علیهم السلام به عنوان مربی، افزون بر «مؤمنین» و «الناس»، عبارت «امت پیامبر ﷺ» نیز به کاررفته است که به خوبی نشان‌دهنده تلاش وافر پیامبر در معرفی جانشینان خود و تکمیل حلقه مربیان پس از خود است و در مقابل، متربی برای بقیه امامان علیهم السلام، «الناس» است، نه «مؤمنین» و نه «امت».

این روایات که نشان‌دهنده حلقه ارتباطی میان مربیان در سطوح مختلف هستند، این مسیر تربیتی را با حلقه‌هایی در سطوح پایین‌تر در جامعه تکمیل می‌کنند. برای نمونه، در این روایات، به دو الگو اشاره شده است: الگوی مولا و عبد و الگوی زوج و زوجه. تمرکز بحث بر الگوی دوم قرار داده می‌شود، زیرا الگوی نخست، در عصر کنونی مبتلا به نیست؛ اما الگوی دوم را می‌توان چنین توضیح داد که کفویت در دین و دین‌داری و توجه به لزوم تساوی یا برتری مراتب دینی در زوج نسبت به زوجه می‌تواند مؤید این امر باشد که نظام تربیتی فوق می‌تواند در خانواده نیز ادامه یابد و تربیت ولایی در خانواده تکمیل گردد.

۴-۴-۲. متربی

«مراد از متربی، هر انسانی است که تحت تأثیر تربیتی انسان دیگری باشد. از این رو، هرچند کودکان مصداق بارز متربی بوده و با توجه به تأثیرپذیری بیشتر، جنبه متربی بودن آنان برجسته‌تر است، اما عنوان متربی محدود به آن‌ها نمی‌شود، بلکه انسان پس از بلوغ نیز می‌تواند متربی باشد. از سوی دیگر، متربی محدود به متربی رسمی در نظام آموزش و پرورش نیز نمی‌باشد، بلکه شامل فرزندان، نوزاد، کودک، دانش‌آموز و دانشجو می‌شود» (همت بناری، ۱۳۸۱: ۴۷). بر اساس تحلیل محتوای روایات اولی الناس، می‌توان از این روایات به این نتیجه رسید که برای معرفی الگو و اسوه لازم است که خود اسوه و الگو، مسدود به روح القدس باشد و مسیر پرورش و کمال را طی کرده باشد تا بتواند به خداوند نزدیک‌تر باشد و سپس واسطه تربیت الهی برای مردم باشد. در مرتبه دوم، شیعیان امام علی علیهم السلام و تابعان حضرت ابراهیم علیهم السلام نیز پس از اطاعت محض به مربی خویش نزدیک می‌شوند، زیرا دین اسلام، دین حضرت ابراهیم علیهم السلام است (جدول ۳).

جدول ۳- روایات اولی الناس نسبت به مربی (متربی)^۱

متربی (اولی الناس)		مربی	متن حدیث
سطح نخست	امام علی علیه السلام	پیامبر ﷺ	أَنِّي كُنْتُ أَوَّلِي النَّاسِ بِاللَّهِ وَ بِرَسُولِهِ وَ بِمَقَامِهِ
			أَنِّي كُنْتُ أَوَّلِي النَّاسِ بِاللَّهِ وَ بِرَسُولِهِ وَ بِمَقَامِهِ
			أَوَّلِي النَّاسِ بِالنَّاسِ بَعْدِي
			فَإِنَّ أَوَّلِي النَّاسِ بِمُحَمَّدٍ ﷺ أَحَقُّ بِهَا مِنْهُمْ
			مَنْ حَاجَّنَا بِمُحَمَّدٍ فَأَنَا أَوَّلِي النَّاسِ بِمُحَمَّدٍ ﷺ

۱. در مورد رابطه متربی نسبت به مربی که رابطه‌ای از سمت پایین به بالاست، ولایت اعم از تشریعی و تکوینی مطرح نیست.

متن حدیث	مربی	متربی (اولی الناس)	
مَنْ يُحَاجُّنَا فِي آدَمَ فَأَنَا أَوَّلِي النَّاسِ بِآدَمَ	حضرت آدم علیه السلام		
مَنْ حَاجَّنَا فِي نُوحٍ فَأَنَا أَوَّلِي النَّاسِ بِنُوحٍ	حضرت نوح علیه السلام		
مَنْ حَاجَّنَا فِي إِبْرَاهِيمَ فَأَنَا أَوَّلِي النَّاسِ بِإِبْرَاهِيمَ	حضرت ابراهیم علیه السلام		
فَأَنَا أَوَّلِي النَّاسِ بِآدَمَ	حضرت آدم علیه السلام	امام باقر علیه السلام	
أَيُّهَا النَّاسُ مَنْ يُحَاجُّنِي فِي مُوسَى فَأَنَا أَوَّلِي النَّاسِ بِمُوسَى	حضرت موسی علیه السلام		
أَيُّهَا النَّاسُ مَنْ يُحَاجُّنِي فِي عِيسَى فَأَنَا أَوَّلِي النَّاسِ بِعِيسَى	حضرت عیسی علیه السلام		
مَنْ حَاجَّنِي فِي إِبْرَاهِيمَ فَأَنَا أَوَّلِي النَّاسِ بِإِبْرَاهِيمَ	حضرت ابراهیم علیه السلام		
مَنْ حَاجَّنِي فِي نُوحٍ فَأَنَا أَوَّلِي النَّاسِ بِنُوحٍ	حضرت نوح علیه السلام		
مَنْ حَاجَّنِي فِي النَّبِيِّينَ فَأَنَا أَوَّلِي النَّاسِ بِالنَّبِيِّينَ	پیامبران علیهم السلام		
فَأَنَا أَوَّلِي النَّاسِ بِمُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله	پیامبر صلی الله علیه و آله		
مَنْ حَاجَّنِي فِي اللَّهِ فَأَنَا أَوَّلِي النَّاسِ بِاللَّهِ	الله تعالی	امام زمان علیه السلام	
أَنَا أَوَّلِي النَّاسِ بِآدَمَ			
أَنَا أَوَّلِي النَّاسِ بِإِبْرَاهِيمَ			
أَنَا أَوَّلِي النَّاسِ بِإِسْمَاعِيلَ			
أَنَا أَوَّلِي النَّاسِ بِمُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله			
نَحْنُ أَوَّلِي النَّاسِ بِاللَّهِ	الله تعالی	امامان معصوم علیهم السلام	
فَنَحْنُ أَوَّلِي النَّاسِ بِإِبْرَاهِيمَ	حضرت ابراهیم علیه السلام		
نَحْنُ أَوَّلِي النَّاسِ بِبَنِي اللَّهِ	پیامبر صلی الله علیه و آله		
نَحْنُ أَوَّلِي النَّاسِ بِرَسُولِ اللَّهِ	پیامبران علیهم السلام		
وَمَنْ حَاجَّنَا فِي النَّبِيِّينَ فَنَحْنُ أَوَّلِي النَّاسِ بِالنَّبِيِّينَ			
أَنْ يَكُونَ أَوَّلِي النَّاسِ بِمَنْ كَانَ قَبْلَهُ	امام علیه السلام	امام علیه السلام	
هُوَ أَوَّلِي النَّاسِ بِالَّذِي قَبْلَهُ			
إِنَّهُ أَوَّلِي النَّاسِ بِالَّذِي كَانَ قَبْلَهُ			
عَلَيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَى دِينِ إِبْرَاهِيمَ وَ مِنْهَاجِهِ وَ شِبَعَتِهِ أَوَّلِي النَّاسِ بِهِ	امام علی علیه السلام	شیعه امام علی علیه السلام	سطح دوم
عَلَيٌّ وَ اللَّهُ عَلَى دِينِ إِبْرَاهِيمَ وَ مِنْهَاجِهِ وَ أَنْتُمْ أَوَّلِي النَّاسِ بِهِ			
إِنَّ أَوَّلِي النَّاسِ بِإِبْرَاهِيمَ لِلَّذِينَ اتَّبَعُوهُ وَ هَذَا النَّبِيُّ وَ الَّذِينَ آمَنُوا وَ اللَّهُ وَلِيُّ الْمُؤْمِنِينَ (آل عمران، ۶۸)	حضرت ابراهیم علیه السلام	کسانی که از او تبعیت کردند	

بر اساس تحلیل محتوای روایات فوق، رابطه تربیتی مبتنی بر اولی الناس در تربیت ولایی یک رابطه دوطرفه است که هیچ‌گاه ارتباط میان مربی و متربی در آن قطع نمی‌شود و چه‌بسا در برخی موارد تا پس از مرگ نیز این ارتباط آثاری دارد. پس در «رابطه مربی و متربی»

دامنه عرضه تعالیم بسیار گسترده است و این تربیت می‌تواند موفق یا ناموفق باشد؛ اما در آن سوی رابطه؛ یعنی «رابطه متربی و مربی» صرفاً نمونه‌های موفق در دو سطح مختلف عرضه می‌شوند، زیرا سزاواری به مربی تنها در صورت حرکت درست به سوی اهداف تربیتی خدا معنا می‌یابد. سطح نخست، بیشتر معطوف به جایگاه امام علیه السلام به عنوان جانشین پیامبر صلی الله علیه و آله است و این جانشینی با تشبه کامل این گروه به مربیان خویش حاصل می‌شود و در سطح دوم، نیز شیعیان امام علی علیه السلام و پیروان حضرت ابراهیم علیه السلام قرار دارند که دقیقاً همان الگوی رتبه نخست را دنبال می‌کنند و از آموزه‌های پیامبر و امام در جامعه تبعیت محض دارند.

مثال روشن قرآنی برای تبیین این رابطه در عبارت «شَجَرَةُ طَيْبَةٍ» (ابراهیم، ۲۴) و سه عبارت متضاد با آن؛ یعنی «شَجَرَةُ خَبِيثَةٍ» (ابراهیم، ۲۶)، «الشَّجَرَةُ الْمَلْعُونَةُ» (اسراء، ۶۰) و «شَجَرَتِ الزَّقْوِمِ» (دخان، ۴۳) و توصیفات آن‌ها در همین آیات مشهود است، زیرا به کارگیری الفاظ اضداد موجب توجه بیشتر مخاطب می‌شود. استفاده خداوند کریم از واژه درخت طیب به استناد به این روایت: «فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: «كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ» رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله أَصْلُهَا، وَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام فَرَعُهَا، وَ الْأَيْمَةُ مِنْ ذُرِّيَّتَيْهَا أَغْصَانُهَا، وَ عِلْمُ الْأَيْمَةِ ثَمَرَتُهَا، وَ شِيعَتُهُمُ الْمُؤْمِنُونَ وَ زَقْفُهَا وَ اللَّهُ! إِنَّ الْمُؤْمِنَ لَيَوْلَدُ فَتُورَقُ وَرَقُهُ فِيهَا، وَ إِنَّ الْمُؤْمِنَ لَيَمُوتُ فَتَسْقُطُ وَرَقُهُ مِنْهَا؛ پیامبر خدا صلی الله علیه و آله، پی و بنیاد آن، امیرمؤمنان علیه السلام تنه آن، و امامان از نژاد آن دو، شاخه‌های آن هستند. دانش امامان، میوه‌اش و شیعیان مؤمن [به آن‌ها]، برگ‌هایش به شمار می‌روند. سوگند به خدا، هرگاه مؤمن به دنیا بیاید، بر این درخت، برگی افزوده می‌شود و زمانی که بمیرد، برگی از آن فرو می‌افتد» (کلینی، ۱۴۰۷: ۱/ ۴۲۸)؛ بر اساس نظر مفسران، به خوبی می‌تواند مبین رابطه تربیتی مربی و متربی در نظام تربیتی اسلام باشد و مانند اولی الناس به روشنی دو طرفه بودن این ارتباط را نشان می‌دهد، زیرا رویدن شاخه‌ها و برگ‌ها تنها بر اصل و پایه درخت و ریشه‌های آن ممکن است. خداوند با این مثال روشن، به دو جریان حق و باطل در این عالم و نحوه شکل‌گیری و پرورش آنان اشاره دارد، زیرا هر نظامی چه باطل و چه حق در پی تربیت افرادی برای خود با هدف رسیدن و تحقق اغراض خویش است. مؤید این مطلب ادامه همین آیات است: «يُتَبَّبُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ فِي الْآخِرَةِ وَ يُضِلُّ اللَّهُ الظَّالِمِينَ وَ يَفْعَلُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ؛ خداوند آن افرادی را که ایمان آوردند (و بیاورند) (به خاطر عقیده ثابتی که دارند) در دنیا و در آخرت ثابت قدم می‌دارد، ولی افراد ستمگر را به خودشان واگذار می‌نماید و خداوند هر عملی را که بخواهد انجام می‌دهد» (ابراهیم، ۲۷)؛ زیرا بر این اساس، هر کس که از نظام تربیتی اسلام خارج می‌شود، به نظام تربیتی شیطان وارد خواهد شد و از شاخه‌های درخت طیب جدا می‌شود و به تعبیر علامه، «هدایت ابتدا و آغازش از ناحیه خدا است که نتیجه‌اش هدایت شدن است؛ ولی ضلالت ابتدایش از خود بنده است و خداوند به خاطر سوء اختیار بنده او را با ضلالت بیشتری کیفر داده و بر ضلالتش می‌افزاید» (علامه طباطبایی، بی‌تا: ۱۲/ ۵۳). از همین رو، در مرحله عرضه دین؛ یعنی برقراری رابطه تربیتی میان مربی و متربی و عرضه محتوای تربیتی اسلام، دامنه مخاطبان گسترده است؛ اما در طرف دوم این رابطه دوسویه و پس از تبعیت و اطاعت از این روش، تعداد متربیان محدودتر از مرحله نخست رابطه و صرفاً شامل افراد خاصی چون امام علیه السلام، شیعیان امام علی علیه السلام و پیروان حضرت ابراهیم علیه السلام است.

جدول ۴- روایات اولی الناس نسبت به جایگاه مربی در ولایت در تشریح

متربی	جایگاه مربی	متن حدیث
امام علی علیه السلام	مَقَامَ رَسُولِ اللَّهِ	أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ خَيْرُ خَلْقِ اللَّهِ
		بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله وَ أَوَّلَى النَّاسِ بِمَقَامِ رَسُولِ اللَّهِ
		هُوَ أَوَّلَى النَّاسِ بِكُمْ بَعْدِي
		عَلَيَّ أَوَّلَى النَّاسِ بِالنَّاسِ مِنْ بَعْدِي

متربی	جایگاه مربی	متن حدیث
امام علی (ع)	امامت	أَنِّي كُنْتُ أَوَّلِي النَّاسِ بِاللَّهِ وَ بِرَسُولِهِ وَ بِمَقَامِهِ
		أَنَا أَوَّلِي النَّاسِ بِهِمْ
		فَإِنِّي قَدْ أَخَذْتُ لَكَ الْعَهْدَ يَوْمَ غَدِيرِ خُمٍ بِأَنَّكَ وَصِيِّي وَ خَلِيفَتِي وَ أَوَّلِي النَّاسِ بِالنَّاسِ مِنْ بَعْدِي
		لَمَّا قُبِضَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ كَانَ عَلِيٌّ أَوَّلِي النَّاسِ بِهَا لِكِبَرِهِ
		كَانَ عَلِيٌّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ أَوَّلِي النَّاسِ بِالْإِمَامَةِ بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ لِقَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ
ائمة (ع)	امر این امت (خلافت)	إِنَّ صَاحِبَكُمْ أَوَّلِي النَّاسِ بِهَا يَعْنِي عَلِيًّا (ع)
		وَهُمْ قَرَابَتُهُ نَبِيِّ اللَّهِ ﷺ وَ هُمْ أَوَّلِي النَّاسِ بِهِ فِي كُلِّ أَمْرٍ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُهَاجِرِينَ
		ثُمَّ إِنَّ أَوَّلِي النَّاسِ بِأَمْرِ هَذِهِ الْأُمَّةِ قَدِيمًا
		إِنَّ أَوَّلِي النَّاسِ بِهَذَا الْأَمْرِ قَدِيمًا وَ حَدِيثًا أَقْرَبُهُمْ بِرَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَ أَعْلَمُهُمْ بِالْكِتَابِ، وَأَقْدَمُهُمْ فِي الدِّينِ، وَأَفْضَلُهُمْ جِهَادًا، وَأَوَّلُهُمْ إِيمَانًا، وَأَشَدَّهُمْ إِضْطِلَاعًا بِمَا تَجَهَّلَهُ الرَّعِيَّةُ مِنْ أَمْرِهَا
		ثُمَّ إِنَّ أَوَّلِي النَّاسِ بِأَمْرِ هَذِهِ الْأُمَّةِ قَدِيمًا وَ حَدِيثًا أَقْرَبُهَا مِنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَ أَعْلَمُهَا بِالْكِتَابِ وَ أَفْقَهُهَا فِي الدِّينِ وَ أَوْلَهَا إِسْلَامًا وَ أَفْضَلَهَا جِهَادًا وَ أَشَدَّهَا بِمَا تَحْمِلُهُ الرَّعِيَّةُ مِنْ أُمُورِهَا إِضْطِلَاعًا

افزون بر این، نحوه بیان در این روایات از منظری دیگر نیز قابل بررسی است که در جدول ۴ قابل مشاهده است. در نظام تربیتی اسلام، برای رسیدن به جایگاه مربی نیز تدابیری وجود دارد و عبارت «اولی الناس» نیز مبین این رابطه و ادامه حلقه تربیتی در اسلام است، زیرا جایگاه مربی هرگز نباید خالی باشد و افراد مناسب و متعهد باید بتوانند در جایگاه مربی پس از فرد شایسته قبلی قرار گیرند. از این رو، در این روایات، از دو عبارت «مقام رسول الله» و «این امر (خلافت)» برای تبیین جایگاه مربی استفاده شده است که مقام رسول الله، مختص امیرالمؤمنین (ع) است؛ اما در موضوع «امر این امت»، همه ائمه (ع) در این روایات مشترک هستند. به علاوه، یکی از تفاوت‌هایی که این روایات با روایات قبلی دارد، این است که در اینجا، روایاتی وجود دارند که ویژگی‌های مربی را بیان می‌کند، زیرا دستیابی به جایگاه مربی نیازمند کمالاتی است که باید طی مسیر تربیت در فرد فراهم شود. این ویژگی‌ها چنین توصیف شده‌اند: «کسی است که به رسول خدا (ص) نزدیک‌تر و به کتاب خدا آگاه‌تر و در دین پرسابقه‌تر و در جهاد برتر از هرکس بوده و نخستین کسی باشد که ایمان آورده است و به اموری که زیردستان به آن آگاهی ندارند، توانا تر باشد» (نهج البلاغه: حکمت ۹۶). این اوصاف کاملاً بر امام علی (ع) منطبق است و به موضوع غدیر خم و سپس سقیفه و غصب جایگاه ایشان بازمی‌گردد.

۴-۳-۴. محتوا

«محتوای تربیت، جایگاه ویژه‌ای در فرایند تربیت دارد و بدون آن تربیت محقق نمی‌شود. محتوا عبارت است از مجموعه فعالیت‌ها

و آموزه‌هایی که مربی برای تأثیرگذاری بر متربی و انتقال آن‌ها به او، به کار می‌گیرد. محتوا از دو بخش فعالیت‌ها و رفتارهای تربیتی و آموزه‌ها و مواد آموزشی تشکیل می‌شود» (همت بناری، ۱۳۸۱: ۴۸). بر همین اساس، با بررسی روایات اولی الناس می‌توان چند نوع از بیان در این زمینه را مشاهده کرد. در گام نخست، این روایات، به صورت کلی به کتاب خدا و سنت رسول الله ﷺ به عنوان دو منبع اصلی محتوا در نظام تربیتی اسلام اشاره دارند که برای متربی این نظام که در جایگاه مربی پیشین نشسته است، این سزاواری معنا می‌یابد (جدول ۵).

جدول ۵- روایات اولی الناس نسبت به محتوای کلان

متربی (اولی الناس)	آموزه‌های مربی / افاضات مربی	متن حدیث	انواع هدایت
امام باقر (ع)	کتاب خدا	فَأَنَا أَوَّلِي النَّاسِ بِكِتَابِ اللَّهِ	هدایت تشریعی
امامان معصوم (ع)		مَنْ حَاجَنَا فِي كِتَابِ اللَّهِ فَتَحْنُ أَوَّلِي النَّاسِ بِكِتَابِ اللَّهِ	
امام علی (ع)	سُنَّةَ رَسُولِ اللَّهِ	فَأَنَا أَوَّلِي النَّاسِ بِسُنَّةِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ	
امام باقر (ع)		فَأَنَا أَوَّلِي النَّاسِ بِسُنَّةِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ	
امام علی (ع)	آیه ۱۸ فتح	أَنَا أَوَّلِي النَّاسِ بِهَذِهِ آيَةِ	برهانی تکوینی است
	آیه ۸۳ آل عمران	أَنَا أَوَّلِي النَّاسِ بِهَذِهِ آيَةِ	برای یک امر تشریعی

در گام دوم، بیان روایات اولی الناس در تبیین محتوای نظام تربیتی، به رفتارهایی اشاره دارد که موجب نزدیکی متربی به مربی می‌شود. برای نمونه، در این احادیث، کارهایی برای نزدیکی به خداوند، رسول الله ﷺ و امامان معصوم (ع) معرفی شده‌اند که دلالت تربیتی دارند و از متربی، شخصی مطیع خداوند، رسول و امامان معصوم (ع) می‌سازند. سنخ این رفتارها شامل بینش، گرایش و در نهایت کنش است. آن‌جا که از علم صحبت می‌شود، بینش فرد را شکل می‌دهد، زیرا فرد بدون شناخت نمی‌تواند کنش و رفتاری درست داشته باشد و آن‌جا که از دوستی با امامان معصوم (ع) و دشمن داشتن دشمنان ایشان سخن می‌گوید، گرایش فرد را مدنظر داشته است تا اراده، میل و رغبت وی را در جهت درست تنظیم کند و آن‌جا که به انجام افعال در قالب پیروی از احکام اشاره دارد، در پی رساندن فرد به مرحله بروز رفتارهای درست و در نتیجه، درونی شدن ارزش‌های دینی در او است (جدول ۶).

جدول ۶- روایات اولی الناس نسبت به محتوای افعالی که موجب نزدیکی به مربی می‌شود

افعال	مربی (اولی الناس)	متن حدیث
از فرمان او پیروی کند و حکم او را گردن نهد و قضای او را امضا کند و به امید پاداش او باشد	الله	فَأَوَّلِي النَّاسِ بِاللَّهِ مِنْ اتَّبَعَ أَمْرَهُ وَ أَنْفَذَ حُكْمَهُ وَ أَمَضَى قَضَاءَهُ وَ رَجَا جَزَاءَهُ
آغازکننده گفتار با سلام	الله و رسول ﷺ	أَوَّلِي النَّاسِ بِاللَّهِ وَ بِرَسُولِهِ مَنْ بَدَأَ بِالسَّلَامِ
آن کسی که بیشتر بر پیامبر درود فرستد	پیامبر در روز قیامت	أَوَّلِي النَّاسِ بِیْ يَوْمِ الْقِيَامَةِ أَكْثَرُهُمْ عَلَيَّ صَلَاةً (فِي دَارِ الدُّنْيَا)
محبت امامان معصوم (ع) و داشتن بغض دشمنان امامان معصوم (ع)	ائمہ (ع)	أَوَّلِي النَّاسِ بِنَا مَنْ وَالَانَا وَ عَادَى مَنْ عَادَانَا
از همه آنان بدانچه آورده‌اند، داناتر باشد	انبیاء (ع)	إِنْ أَوَّلِي النَّاسِ بِالْأَنْبِيَاءِ أَعْلَمَهُمْ بِمَا جَاءُوا بِهِ

در گام سوم، این روایات به بیانی خاص، از افعال اخلاقی شامل فضیلت‌ها و رذیلت‌ها یاد می‌کنند و در مرحله بعدی به برخی احکام

تکلیفی فقهی نیز اشاره دارند. بیان این روایات به این ترتیب است که نسبت را میان یک فعل و یک شخص برقرار می‌کنند و بدین ترتیب، اولی الناس را نسبت به آن فعل معرفی می‌کنند. برای نمونه، اولی الناس نسبت به فعل رحمت را «محتاج به آن» می‌داند. از این رو، این بخش از روایات در باب فضیلت، دستورالعمل‌هایی را در جهت مثبت عرضه می‌کنند و در باب ردایل، نیز بر ترک برخی خصلت‌های مورد اشاره تأکید دارند که همان طاغوتِ درون در تربیت ولایی است. همچنین، در این بخش، روایتی وجود دارد که اولی الناس نسبت به نماز میت را «ولی او» یا «شخصی» معرفی می‌کند که از وی اجازه دارد؛ بنابراین، این گروه از روایات تا حدی وارد جزئیات شده و برای نمونه بخشی از محتوای مورد نظر نظام تربیتی اسلام را در سه حوزه اعتقادی، اخلاقی و فقهی بیان می‌کند. البته محتوای تربیتی می‌تواند شامل دستورهای خودسازی هم باشد که در این بخش، به این راهکارها اشاره شده است (جدول ۷).

جدول ۷- روایات اولی الناس نسبت به محتوای اخلاقی و احکام تکلیفی فقهی

صفات و افعال		اشخاص	متن حدیث
صفت و فعل انسان صفت و افعال اخلاقی فضیلت	رحمت	محتاج به رحمت	أُولَى النَّاسِ بِالرَّحْمَةِ الْمُحْتَاجُ إِلَيْهَا
			أُولَى النَّاسِ بِالرَّحْمَةِ أَحْوَجُهُمْ إِلَيْهَا
	عدل	کسی است که قادرتر به کیفر باشد	أُولَى النَّاسِ بِالْعَدْلِ أَقْدَرُهُمْ عَلَى الْعُقُوبَةِ وَ أَنْقَصُ النَّاسِ رَأْيًا مَنْ ظَلَمَ مَنْ دُونَهُ
			أُولَى النَّاسِ بِالتَّوَالِ أَغْنَاهُمْ عَنِ السُّؤَالِ
	نیکوکاری	کسی است که اگر وعده‌اش طولانی شود صبر کند و اگر منع کرده شود عذر پذیرد و اگر عطا کرده شود تشکر کند	أُولَى النَّاسِ بِالْإِصْطِنَاعِ مَنْ إِذَا مُطَّلَ صَبَرَ وَ إِذَا مُنِعَ عَذَرَ وَ إِذَا أُعْطِيَ شَكَرَ
			أُولَى النَّاسِ بِالْحَذَرِ أَسْلَمُهُمْ مِنَ الْغَيْرِ
			أُولَى النَّاسِ بِالْإِنْعَامِ مَنْ كَثُرَتْ يِعْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ
			أُولَى النَّاسِ بِالْمَحَبَّةِ مَنْ أَمْلَوْهُ
			أُولَى النَّاسِ بِالْعَفْوِ أَقْدَرُهُمْ عَلَى الْعُقُوبَةِ
	پرهیزکردن و ترسیدن	آن کسی که از گردش‌های گوناگون گیتی برکنارتر است	
	نعمت دادن و بخشیدن	کسی است که نعمت‌های خدا بر وی بسیار باشد	
	محبت	کسی است که به او امیدوارند	
	عفو	کسی است که	

صفات و افعال			اشخاص	متن حدیث
			قادرتر به کیفر باشد	
		کرم	مَنْ عُرِفَتْ بِهِ الْكِرَامُ	أُولَى النَّاسِ بِالْكَرَمِ، مَنْ عُرِفَتْ بِهِ الْكِرَامُ
	ردیلت	تهمت زدن	کسی است که با اهل تهمت همنشین باشد	أُولَى النَّاسِ بِالتُّهْمَةِ مَنْ جَالَسَ أَهْلَ التُّهْمَةِ
تکالیف فقهی	واجب	نماز میت (الصَّلَاةُ عَلَى الْمَيِّتِ)	سزاوارترین مردم به میت	وَإِغْلَمْ أَنَّ أُولَى النَّاسِ بِالصَّلَاةِ عَلَى الْمَيِّتِ الْوَلِيُّ أَوْ مَنْ قَدَّمَهُ الْوَلِيُّ فَإِنْ كَانَ فِي الْقَوْمِ رَجُلٌ مِنْ بَنِي هَاشِمٍ فَهُوَ أَحَقُّ بِالصَّلَاةِ إِذَا قَدَّمَهُ الْوَلِيُّ فَإِنْ تَقَدَّمَ مِنْ غَيْرِ أَنْ يُقَدَّمَهُ الْوَلِيُّ فَهُوَ غَاصِبٌ

در گام چهارم، نوع بیان روایات بیشتر ناظر به احکام تکلیفی فقهی کفن و دفن میت در فقه است که محل بحث بسیاری از کتب فقهی است. در این نوع از روایات، می توان ادعا کرد که رابطه تربیتی میان مربی و متربی ادامه می یابد، زیرا هرچند در رابطه میان مربی و متربی و با فوت مربی که می تواند پدر یا جد پدری باشد، متوفی ولایت خود را نه تنها نسبت به خود، بلکه نسبت به افراد تحت ولایت خویش از دست می دهد؛ اما ولایتی دیگر برای افراد تحت ولایت او شکل می گیرد که آنان را وادار می کند تا اعمال مربوط به کفن و دفن وی را شخصاً یا با واگذاری انجام آن به دیگری به انجام برساند. این بدان معناست که رابطه تربیتی میان مربی و متربی در ساحت خانواده پس از فوت یکی از آن ها قطع نمی شود، بلکه زمان آن فرامی رسد که فرد در تنهایی واقعی آنچه را آموخته است، به انجام برساند. افزون بر آنکه بیان احکام کفن و دفن در قالب استفاده از عبارت اولی الناس، خود به عنوان یک نمونه از احکام فقهی در حوزه تربیت اسلامی نیز به شمار می رود، زیرا میزان حق شناسی یک فرد را نشان می دهد. همچنین، مرگ آگاهی نیز از دستاوردهای تربیتی این بخش از احکام فقهی است.

در ساحت رابطه متربی و مربی نیز با وجود فوت متربی؛ یعنی فرزند، رابطه ولایت یا تربیتی پدر و جد پدری یا تکلیف شرعی پدر و جد پدری، نسبت به او- در راستای همان اثرگذاری تربیتی- ادامه می یابد، ولی میت اقدامات لازم را خود به انجام می رساند یا آنکه انجام آن را به شخص واثقی واگذار می کند (جدول ۸).

جدول ۸- روایات اولی الناس نسبت به محتوای احکام تکلیفی کفن و دفن میت در فقه

مربی- متربی	متربی- مربی	تکلیف فقهی	متن حدیث
اولی الناس	زن متوفی	گذاشتن در قبر	يَكُونُ أُولَى النَّاسِ بِهَا بِلِي مَوْخَرَهَا
	مرد متوفی	قرارگرفتن در ابتدای قبر مردان	أُولَى النَّاسِ بِالرَّجُلِ بِلِي مَقْدَمِهِ وَكَرِهَ لِلرَّجُلِ أَنْ يُنْزَلَ وَلَدُهُ فِي الْقَبْرِ خَوْفًا مِنْ رِقَّةِ قَلْبِهِ عَلَيْهِ
	میت	انجام نماز یا روزه قضا	الصَّلَاةُ الَّتِي دَخَلَ وَفْتُهَا قَبْلَ أَنْ يَمُوتَ الْمَيِّتُ يَقْضِي عَنْهُ أُولَى النَّاسِ بِهِ
			فِي الرَّجُلِ يَمُوتُ وَ عَلَيْهِ صَلَاةٌ أَوْ صَوْمٌ قَالَ

مربی - مربی	متربی - مربی	تکلیف فقهی	متن حدیث
			يَقْضِيهِ أَوَّلَى النَّاسِ بِهِ
			سَأَلَتْهُ عَنِ الرَّجُلِ يَمُوتُ وَ عَلَيْهِ دَيْنٌ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ مَنْ يَقْضِي عَنْهُ قَالَ أَوَّلَى النَّاسِ بِهِ قُلْتُ وَ إِنْ كَانَ أَوَّلَى النَّاسِ بِهِ امْرَأَةٌ قَالَ لَا إِلَّا الرِّجَالُ
			إِذَا وَضَعْتَهُ فِي لَحْدِهِ فَلْيَكُنْ أَوَّلَى النَّاسِ مِمَّا يَلِي رَأْسَهُ
			يَكُونُ أَوَّلَى النَّاسِ بِهِ مِمَّا يَلِي رَأْسَهُ
		قرارگرفتن نزدیک سرش هنگام گذاشتن او در قبرش و خواندن نام خدا بر او	سُئِلَ سَلًا رَفِيقًا فَإِذَا وَضَعْتَهُ فِي لَحْدِهِ فَلْيَكُنْ أَوَّلَى النَّاسِ مِمَّا يَلِي رَأْسَهُ لِيَذْكَرَ اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهِ وَ يُصَلِّيَ عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ يَتَعَوَّذَ مِنَ الشَّيْطَانِ وَ لِيَقْرَأَ فاتِحَةَ الْكِتَابِ وَ الْمَعَوَّذَتَيْنِ وَ «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» وَ آيَةَ الْكُرْسِيِّ وَ إِنْ قَدَّرَ أَنْ يُخْسِرَ عَنْ خَدِّهِ وَ يُلْزِقَهُ بِالْأَرْضِ فَعَلْ وَ يَشْهَدْ وَ يَذْكَرْ مَا يَعْلَمُ حَتَّى يَنْتَهِيَ إِلَى صَاحِبِهِ
			قَالَ إِذَا أُفْرِدَ الْمَيِّتُ فَلْيَتَخَلَّفْ عِنْدَهُ أَوَّلَى النَّاسِ بِهِ
			يَغْسِلُ الْمَيِّتَ أَوَّلَى النَّاسِ بِهِ أَوْ مَنْ يَأْمُرُهُ الْوَلِيُّ بِذَلِكَ يُصَلِّيَ عَلَى الْجَنَازَةِ أَوَّلَى النَّاسِ بِهَا أَوْ يَأْمُرُ مَنْ يُحِبُّ يُصَلِّيَ عَلَيْهِ أَوَّلَى النَّاسِ بِهِ
میت کودک دختر	غسل دادن او، در صورتی که زنی یافت نشود	غسل دادن میت	
		خواندن نماز بر میت	
		ماندن کنار قبر میت هنگام تنهایی او و ندا سردادن با بلندترین صدا	
		غسل دادن میت	
		غسل دادن او، در صورتی که زنی یافت نشود	
		خواندن نماز بر میت	

در مجموع باید اذعان کرد که محتوای استخراج شده از روایات اولی الناس، اهداف غایی و میانی نظام تربیتی اسلام را پوشش داده و تلاش کرده است تا آیینهای از اعمال و رفتارهای مورد نیاز اعتقادی، اخلاقی و فقهی برای دستیابی به هدف غایی تقرب الهی را عرضه کند و هر دو سطح تربیت، اعم از الزامی و رجحانی را دربرگرفته است. قرارگرفتن خداوند - با توجه به صفت ربوبی خود - به عنوان مربی و استفاده از عبارت اولی الناس به خوبی اثبات کننده هدف غایی تقرب الهی برای نظام تربیتی اسلام است که با سایر اهداف میانی که در افعال اخلاقی و احکام تکلیفی در این روایات آمده، تکمیل می شود.

افزون بر آن، مجموعه محتوای عرضه شده در روایات اولی الناس همه انواع روابط انسان با خدا، خود و انسانهای دیگر را دربرگرفته و همچنین، به جز ساحت های تربیت جسمی و عقلانی، ساحت های تربیت روحی، اجتماعی و اخلاقی را در بر می گیرد. در ساحت تربیت روحی، اشاره به پیروی از فرمان خدا، گردن نهادن به حکم او، رضایت به قضای او و امید به پاداش او برای نزدیکی به خداوند بزرگ، می تواند به عنوان نمونه ای از رابطه انسان با خدا باشد.

روایات اولی الناس، در ساحت تربیت اجتماعی نیز به انواع حوزه های این ساحت؛ یعنی روابط میان همسران، والدین و فرزندان،

خویشاوندان و رابطه افراد با یکدیگر اشاره دارد. بهترین نمونه، احکام کفن و دفن مرده است که در این مراتب چهارگانه جاری است، زیرا طبق روایات اولی الناس شوهر نسبت به زن، فرزند نسبت به پدر و مادر، پدر نسبت به فرزند و خویشاوند نسبت به متوفی، بر اساس طبقات ارث اولویت دارند. در جایی که ولی میت، نظر به انجام نیابتی عمل داشته باشد، فضا برای انجام آن توسط بیگانه نیز باز می‌شود، که همان سطح چهارم است. روایات اولی الناس در ساحت اخلاقی نیز با عرضه برخی فضیلت‌ها و ذیلت‌ها در حوزه اخلاق وارد شده و این نوع از تربیت را نیز دربرگرفته است.

۴-۵. تعیین حکم فقهی اولویت‌های سه‌گانه

اولی الناس یا اولویت یا ولایت، در رتبه‌های سه‌گانه ولایت خدا، رسول خدا و اولوالامر بر مسلمانان در جایگاه مربی، به تعبیر برخی (حسینی همدانی، ۱۴۰۴، ج ۱۳: ۵۷) یک حکم وضعی است و مستلزم احکام تکلیفی بسیاری برای مسلمانان است. بیان قرآن نیز در آیه ۶۸ آل عمران «اللَّهُ وَلِيُّ الْمُؤْمِنِينَ» و آیه ۶ احزاب «التَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ» همین حکم وضعی را می‌رساند؛ درحالی که در آیه ۵۹ نسا: «أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ» حکم تکلیفی در ارتباط با ولایت را مطرح می‌نماید که در قالب کلی همان اطاعت است. اولی الناس یا اولویت یا ولایت، در جایگاه متربی و در ارتباط با آیه «إِنَّ أَوْلَى النَّاسِ بِإِبْرَاهِيمَ لَلَّذِينَ اتَّبَعُوهُ وَهَذَا النَّبِيُّ وَالَّذِينَ آمَنُوا» و روایات اولی الناس نیز یک حکم وضعی است که پس از انجام حکم تکلیفی اطاعت در سه سطح فقه اکبر، فقه اوسط و فقه اصغر پدید می‌آید و درنهایت، تداوم در انجام این تکالیف می‌تواند به ثبات این وضعیت یا حکم وضعی بینجامد. دامنه این وضعیت در این آیه، محدود به زمان و مکان نیست، بلکه هر کس احکام دین حنیف اسلام را به انجام برساند، در این جایگاه قرار می‌گیرد.

اولی الناس یا اولویت در قبال محتوا به چند دسته تقسیم می‌شود:

- الف. اولی الناس نسبت به محتوای کلان که با عنوان حکم وضعی می‌تواند مستلزم احکام تکلیفی چون عرضه محتوا به دیگران باشد؛
- ب. اولی الناس نسبت به افعالی که موجب نزدیکی به مربی می‌شود، نیز حکم وضعی است که براساس قاعده موضوع آن افعال را به نحو وجوب یا مستحب و با استناد به ادله‌ای خارج از روایات اولی الناس برای انسان ملاحظه می‌کند؛
- ج. اولی الناس نسبت به محتوای اخلاقی و احکام تکلیفی به ویژه نسبت به میت نیز دو گونه احکام تکلیفی واجب و مستحب را در برمی‌گیرد. بر اساس روش مرسوم در فقه، مسائل اخلاقی اعم از رذایل و فضیلت‌ها در حوزه مکروهات و مستحبات می‌گنجد و احکام تکلیفی نسبت به مرده را می‌توان به دو بخش پیش از مرگ، مانند رو به قبله کردن و پس از مرگ، مانند نماز، کفن و دفن میت تقسیم کرد. در اولویت اولی الناس در انجام این امور اختلاف است. برخی تقدم او را مستحب می‌دانند (بحرانی، بی‌تا: ۳/ ۳۶۰)؛ برخی معاصران حتی اذن او را هم در انجام این امور لازم نمی‌دانند (موسوی خمینی، ۱۳۹۱: ۸۴).

نتیجه‌گیری

تحلیل محتوای روایات اولی الناس نیز نشان می‌دهد که الله، پیامبر اسلام و امامان معصوم علیهم‌السلام در نظام تربیت ولایی، نسبت به «الناس»، «مؤمنین» و «امت»، مربی هستند. در نظام تربیت ولایی، برای معرفی الگو و اسوه لازم است که خود اسوه و الگو، مسدود به روح القدس باشد و مسیر پرورش و کمال را طی کرده باشد تا بتواند به خداوند نزدیک‌تر باشد و سپس واسطه تربیت الهی برای مردم باشد. از این رو، در این سلسله‌مراتب، پیامبر اسلام و امام نسبت به الله و امام نسبت به امام پیش از خود و انبیای الهی متربی هستند. این سلسله‌مراتب در سطوح پایین‌تر نیز وجود دارد و برخی نیز مانند شیعیان امام علی علیه‌السلام و پیروان حضرت ابراهیم علیه‌السلام نسبت به ایشان، متربی تلقی شده و توانسته‌اند مسیر تشبه به امام خویش را به خوبی طی کنند. پیامبر و امام علیهم‌السلام پس از پرورش و تربیت در دستگاه الهی، نسبت

به محتوای این تربیت مانند قرآن به صورت مجموعی یا تصریح به برخی آیات خاص و سنت رسول الله نیز اولی الناس تلقی می‌شوند.

منابع

* قرآن کریم

* نهج البلاغه

۱. ابن منظور، محمد بن مکرم. لسان العرب. بیروت: دار صادر، ۱۴۱۴ ق.
۲. اعرافی، علیرضا. «آشنایی با فقه تربیت»، فصلنامه پژوهش‌های فقهی تا اجتهاد، ۳ (۱۱)، ۱۳۹۳ ش.
۳. باقری، خسرو. درآمدی بر فلسفه تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران. تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۸۷ ش.
۴. بحرانی، یوسف. الحدائق الناضره فی احکام العتره الطاهره. قم: مؤسسه نشر اسلامی، بی‌تا.
۵. بناری، علی‌همت. «نگاهی به تعامل فقه و تربیت با تأکید بر نقش فقه در تربیت»، معرفت، شماره ۵۷، ۱۳۸۱ ش.
۶. جوادی آملی، عبدالله. ولایت فقیه؛ ولایت فقاقت و عدالت. قم: اسراء، ۱۳۷۸ ش.
۷. حسینی اصل، پروین. «بررسی تربیت ولایی در سوره مبارکه انفال». دو فصلنامه علمی تفسیر متون وحیانی، ۴ (۶)، ۱۴۰۲ ش.
۸. حسینی همدانی، سید محمد حسین. انوار درخشان. تهران: لطفی، ۱۴۰۴ ق.
۹. حکیمی، سید یاسر و دیگران، «چارچوب رویکرد تعلیم و تربیت ولایی در مکتب امام خمینی بر اساس استعاره قرآنی «شجره طیبه» و الگوی «حکمت - بنیان» لقمان حکیم»، پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، ۳۱ (۵۹)، ۳۳۲-۲۷۳، ۱۴۰۲ ش.
۱۰. راغب اصفهانی، حسین. المفردات. دمشق: دار القلم، ۱۴۱۲ ق.
۱۱. رضوانی، علی اصغر. موعود شناسی و پاسخ به شبهات. قم: مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۶ ش.
۱۲. سلیمی، هدی. «ولایت‌پذیری رسول خدا ﷺ از منظر قرآن و روایات»، فصلنامه مطالعات قرآنی، ۵ (۱۸)، ۱۳۹۳ ش.
۱۳. صدر، سید موسی. «نقش متربی در تربیت». پژوهش‌های قرآنی، ۱۵ (۵۹ و ۶۰)، ۱۳۸۸ ش.
۱۴. صفایی حائری، علی. مسئولیت و سازندگی؛ روش تربیتی اسلام. قم: بوستان کتاب، ۱۴۰۲ ش.
۱۵. طاهری خرم‌آبادی، سید حسن. ولایت و رهبری در اسلام. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۰ ش.
۱۶. طباطبایی، سید محمد حسین. المیزان فی تفسیر القرآن، قم: اسماعیلیان، بی‌تا.
۱۷. طریحی نجفی، فخرالدین. مجمع البحرين. تهران: مرتضوی، ۱۳۶۲ ش.
۱۸. فرهادی، راضیه. تربیت ولایی. تهران: کنکاش، ۱۴۰۰ ش.
۱۹. قرشی بنایی، علی اکبر. قاموس قرآن. تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۱۲ ق.
۲۰. قمی، علی بن ابراهیم. تفسیر القمی. قم: دارالکتاب، ۱۴۰۴ ق.
۲۱. کلینی، محمد بن یعقوب. الکافی. تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ ق.
۲۲. محمدپور، احمد. روش تحقیق کیفی ضد روش: (مراحل و رویه‌های عملی در روش‌شناسی کیفی). تهران: انتشارات لوگوس، ۱۳۹۷ ش.
۲۳. موسوی خلخالی، محمد مهدی. حاکمیت در اسلام یا ولایت فقیه. قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۸۰ ش.
۲۴. موسوی خمینی، سید روح الله. رساله توضیح المسائل. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته، ۱۳۹۱ ش.
۲۵. هاشمی، سید محمد تقی. «ولایت تکوینی و تشریعی از نظر امام رحمته». کنگره اندیشه‌های اخلاقی - عرفانی امام خمینی رحمته، ۱۳۸۲ ش.